

ترکیب واقعی و ماهیت جناح بندیها

داریم، جز یک گروه (هیأت مؤتلفه) هیچ گروه دیگری صورت کاندیداهای سراسری خود را برای شهرستانها منتشر نکرده بود. بیشتر کاندیداهای شهرستانها نامزدی خود را بطور مستقل اعلام و برای خود تبلیغ می کردند. گرچه بعضی از آنها در چند شهرستان در آگهیهای تبلیغاتی خود نام «جمعی از کارگزاران سازندگی» یا «خانه کارگر» را افزوده یا شعارهای آنها را نوشته بودند، ولی این وضع استثنائی بود و به هیچ روی اجازه نمی داد یک داوری کلی درباره میزان موفقیت این گروهها در همه شهرستانها کرد.

بدین سان در این گفتار ما (۱) نخست به بررسی انتخابات تهران خواهیم پرداخت. سپس به ترتیب (۲) انتخابات شهرستانها را بررسی می کنیم. (۳) به تشخیص ترکیب نمایندگان مجلس پنجم و (۴) آینده نگری درباره نتایج این انتخابات و بحث درباره علتها و ریشه های اجتماعی گروه بندیها و رودرونی آنها در این انتخابات خواهیم پرداخت.

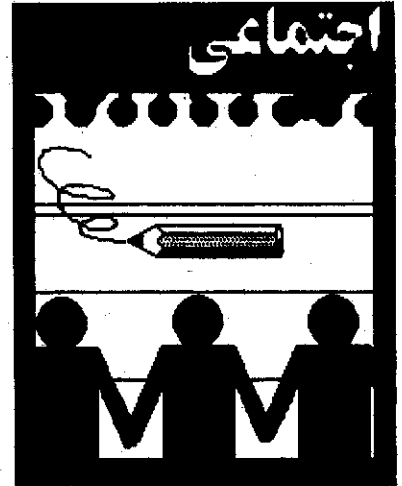
۱- بررسی انتخابات تهران

از آغاز فعالیتهای مقدماتی انتخابات در گروه بندی در برابر هم صف آرای می کردند: یکی به نام «روحانیت مبارزه» و دیگری با عنوان «جمعی از کارگزاران سازندگی». «روحانیت مبارزه» عنوانی است که پس از انحلال «حزب جمهوری اسلامی» مجموعه ای از روحانیان دارای مقامات و مسئولیتهای مهم در نظام برای خود برگزیدند و در حقیقت در آن زمان هیئت حاکمه نظام جمهوری اسلامی را تحت رهبری امام خمینی [زه] تشکیل می دادند. لیکن بزودی معلوم شد که در میان آنها دو جناح وجود دارد که از لحاظ اصول با هم مشترک ولی از نظر مسائل خصوصی و اداری با هم اختلاف سلیقه دارند. پس از درگذشت بنیادگذار جمهوری اسلامی این دو جناح از هم جدا شدند، جمعی که آقایان آیت الله خامنه ای و حجت الاسلام رفسنجانی در رأس آنها بودند تحت عنوان «روحانیت مبارزه» باقی ماندند و عده ای دیگر که آقایان خوئی نیها، کروی و محشمی در میان آنها بودند «مجمع روحانیون مبارزه» نام گرفت. در دوره سوم مجلس هر دو جناح تقریباً به تساوی شرکت داشتند و نشانه آن در هیأت رئیسه مجلس مشهود بود که آقای

ساختگی و تعمّدی هم نباشد، خواه و ناخواه از جهت گیریهای ذهنی و پیش داوریهای گریندگان آنها نشأت می گیرد و بنابراین قابل اعتماد نیست، پس آنها را باید به یک سو نهاد. آنچه می تواند بنیاد تحلیلی بی غرضانه و واقع گرا باشد، داده های واقعی است، مانند آمار رای دهندگان، سنجش آن با دوره های پیش، شمار نمایندگان این دوره ها که از نو برگزیده شده اند، تعداد کاندیداهایی که از هر گروه به مجلس راه یافته اند و غیره. متأسفانه به کار بستن این روش در کشور ما، به ویژه در مورد انتخابات بسیار دشوار است. چون احزاب سیاسی و لیستهای مشخص حزبی وجود ندارد، و تحلیل گر، با توده پراکنده، مشتت و گاه متناقضی از اعداد رو به رو است که نتیجه گیری از آنها بسی دشوار است. آنچه بر این دشواری می افزاید غربالهای متعددی است که کاندیدها و انتخاب شدگان باید از آنها بگذرند. مثلاً به آمار انتخاب شدگانی که ستاد انتخابات کشور یا شورای نظارت بر انتخابات اعلام می کنند نمی توان اعتماد کرد، چون ممکن است شورای نگهبان انتخابات بعضی حوزه ها، یا شماری از صندوقهای رای را باطل کند.

باری، با توجه به این دشواریها، به کمک این روش کوشیده ایم تحلیلی از این انتخابات ارائه کنیم. پس خواننده باید در داوری نسبت به ارزش برآوردها و نتیجه گیریهای ما به این دشواریها توجه داشته باشد و بداند که ما خود ارزش مطلق برای آنها قائل نیستیم و فقط بطور نسبی، یعنی در حد امکانات به آنها ارجح می نهیم.

افزون بر این، در این تحلیل به دلایل زیر بررسی انتخابات تهران را از شهرستانها جدا کرده ایم، زیرا از یک سو تهران به علت پایتخت بودن، تراکم فوق العاده جمعیت و تمرکز خاص سیاسی، اداری و فرهنگی وضعی استثنائی دارد و مورد توجه، دقت و نظارت ویژه ای است، از سوی دیگر گروه بندیهای انتخاباتی متنوع هر کدام صورت نامهای کاندیدهای خود را برای تهران مشخص کرده و در روزنامه ها و آگهیهای دیواری منتشر ساخته بودند. بنابراین تشخیص موفقیت هر کدام و میزان نفوذ آنها در مجلس و سنجش آن با گروههای دیگر امکان پذیر بود. لیکن در شهرستانها، تا آنجا که ما جستجو کردیم و آگاهی



از دکتر انور خامه ای

انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی بی شک یکی از مهمترین حوادث دوران اخیر و حتی در تاریخ نظام جمهوری اسلامی بوده است. زیرا گذشته از نقش مهمی که مجلس و نمایندگان آن در این نظام دارند، شرایط حساس داخلی و خارجی در مرحله کنونی، و تأثیری که بر حوادث آینده می توانند داشته باشند، بر اهمیت آن می افزاید. افزایش فشار سیاست خارجی دولتهای غربی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا برای وادار ساختن دولت ایران به تغییر استراتژی سیاسی- عقیدتی خود، موقعیت جغرافیائی- سیاسی کشور ما، مسائل و دشواریهای دوران توسعه اقتصادی- فرهنگی و انتخاب رئیس جمهور آینده، مهمترین عواملی است که حساسیت دوران چهارساله این مجلس را نشان می دهد و مسئولیت مهمی را که بر عهده نمایندگان آن است، می نمایاند. از این رو هم ارزش و هم مشکلات ارائه یک تحلیل واقع بینانه از این انتخابات آشکار می شود.

آنچه بر این مشکل می افزاید روشی است که ما در این تحلیل بکار برده ایم و آن را لازمه واقع گرا بودن و مغرضانه نبودن آن می شماریم. ما بر سر آنیم که تنها بر داده های واقعی تکیه کنیم، نه بر گفته ها یا پیش بینی ها و داوریهای این و آن. چه این گفتارها و داوریها، اگر

رفسنجانی از جانب «روحانیت مبارزه» رئیس و آقاسی کروی از طرف «روحانیون مبارزه» نایب رئیس شد. پس از انتخاب آقای رفسنجانی به ریاست جمهور، آقای کروی رئیس مجلس شد و تا پایان این دوره در این مقام باقی ماند. در دوره چهارم رویارویی میان این دو جناح بود و جز دو صورت کاندیداهای این دو برای تهران (همچنین در اکثر شهرستانها) صورت دیگری (جز بطور منفرد) منتشر نشد. چنانکه می‌دانید با دخالت شورای

اینکه در جریان انتخابات بخشی از مؤسسات دولتی علیه بخشی دیگر از آن فعالیت کند پدیده‌ای شگفت‌انگیز است

صفوف آن نقش نسبتاً مؤثری داشته است.

اما اثر مهم‌تر ورود «جمعیتی از کارگزاران سازندگی» به عرصه انتخابات تشویق و تحریک گروهها و عناصر دیگر و کشاندن آنها به این میدان بوده است. در این زمینه نخست باید از پدایش گروه دیگری به نام «دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی» سخن گوئیم. این گروه که مؤسس آن آقای حجت‌الاسلام ری شهری وزیر سابق اطلاعات و داماد آقای مشکینی رئیس مجلس خبرگان

است، پس از آغاز رقابت انتخاباتی میان دو گروه پیش گفته، پدید آمد و ظاهراً علت وجودی آن، تعدیل این مسابقه بی سابقه بوده است. در صورت اسامی کاندیداهایی که این گروه ارائه داده بود کمتر نام تازه‌ای که در دو صورت پیشین وجود نداشته باشد به چشم می‌خورد. در حقیقت فهرست کاندیداهای این گروه آمیخته‌ای است از عناصری از این دو صورت که بیشتر مورد اعتماد این گروه بوده‌اند.

همچنین باید از گروه نوظهور انتخاباتی دیگری به نام «اتلاف گروههای خط امام» یاد کنیم که اتکاء اصلی آن به «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و رهبر آن آقای مهندس بهزاد نبوی وزیر سابق صنایع سنگین بوده است. بیشتر کاندیداهای این گروه نیز از میان نامزدهای «کارگزاران سازندگی» برگزیده شده‌اند. در صورت‌های فرعی دیگر مانند «انجمن‌های اسلامی دانشجویان» باز اکثر همین نامها به چشم می‌خورد. تنی چند نیز بطور مستقل خود را نامزد کرده بودند که هیچ کدام موفقیتی نداشتند.

اکنون پیش از آنکه نتایج انتخابات تهران را بررسی کنیم ناگزیریم تذکر دهیم که در دور اول انتخابات فقط دو نفر از کاندیداهای دو رقیب اصلی، یعنی آقای علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس چهارم و خانم فائزه رفسنجانی توانستند آراء لازم را بدست آورند و موفق شوند. بنابراین رقابت میان طرفین به دور دوم کشید. در این دور هیأت مؤتلفه و هواداران آن از تمام زرادخانه تبلیغاتی خود علیه رقیب استفاده کرده و آنها را به لیبرالیسم و هواداری از آشتی با آمریکا منتهم کردند. ناگفته نگذاریم که گذشته از روزنامه‌های وابسته به این گروه مانند رسالت، کیهان، هفته‌نامه صبح و... رسانه‌های دولتی به ویژه تلویزیون هم بطور تلویحی به این پیکار تبلیغاتی کمک می‌کردند، در حالیکه مؤسسان گروه «کارگزاران سازندگی» همه از مقامات دولتی بودند و خود را وابسته به رئیس جمهور نشان می‌دادند. اینکه بخشی از مؤسسات دولتی علیه بخشی دیگر از آن فعالیت کند پدیده‌ای شگفت‌انگیز است که نمی‌توان آن را ندیده گرفت.

برعکس، نتیجه دور دوم انتخابات تهران چندان شگفت‌انگیز نبود. بطوری که جمعیاً در دو دور از

هم اکثریت مطلق خواهد داشت و با تعویض وزیر کشور و وزیر ارشاد به موفقیت خود اطمینان داشت. اما گروه «کارگزاران سازندگی» برخلاف گروه فوق نه سوابق زیادی داشت و نه سازمان منسجمی. تأسیس آن در آستانه انتخابات انجام گرفت و حتی نام آن دوبار عوض شد و بعضی از کسانی که اعلامیه تأسیس آن را امضا کرده بودند آن را تکذیب کردند یا پس گرفتند. اینها نشان می‌دهد که این گروه با چه دست پاچگی پدید آمده و علت بوجود آمدن آن هم جلوگیری از تسلط مطلق گروه پیشین بر مجلس پنجم بوده است.



دکتر انور خدای

امید این گروه برای پیروزی در انتخابات نخست به موقعیت شخصی و دولتی تأسیس‌کنندگان آن بود و نفوذی که از این طریق در میان مردم به ویژه کارمندان دولت داشتند. افزون بر این با بعضی سازمانهای صنفی یا فرهنگی نیز ائتلاف کردند که مهمترین آنها «خانه کارگر» بود. صورت کاندیداهای «خانه کارگر» عیناً رونوشت مطابق اصل صورت «کارگزاران سازندگی» بود، درست همان‌گونه که در مورد «هیأت مؤتلفه» با «روحانیت مبارزه» دیدیم. اما نه سابقه «خانه کارگر» به اندازه «هیأت مؤتلفه» است و نه قدرت سازماندهی آن. با وجود این «خانه کارگر» از زمان انقلاب اسلامی تا کنون موجودیت و باشگاهی داشته و روزنامه «کار و کارگر» ارگان خود را منظمآ منتشر ساخته است. افزون بر این، در انتخابات مجلس سوم و چهارم کاندیداهای آن گرچه نتوانستند پیروز شوند لیکن آراء قابل ملاحظه‌ای را به دست آورده بودند. همچنین این سازمان در راه پیمانی‌های رسمی جمهوری اسلامی و تجویز و کشاندن کارگران کارخانه‌های دولتی به

نگهبان ورد صلاحیت عده‌ای از کاندیداها یا منتخبان «روحانیون مبارزه» اکثریت مجلس در اختیار جناح «روحانیت مبارزه» قرار گرفت. ناگفته نماند که پس از انشعاب «جامعه روحانیت مبارزه» پیشین به دو جناح، عده‌ای از روحانیان منتسب به گروه موسوم به «هیأت مؤتلفه» که تا آن تاریخ مستقل از حزب جمهوری اسلامی و «جامعه روحانیت مبارزه» زیسته و روزنامه «رسالت» ارگان آنها بود، به تدریج به جناح «روحانیت مبارزه» پیوستند و کم‌کم با استفاده از خلائی که بر اثر انتخاب آقای خاسانه‌ای به مقام رهبری و آقای رفسنجانی به ریاست جمهور پیش آمده بود، و با کمک بعضی از فقهای شورای نگهبان اختیار این جناح را بدست گرفتند و بدین سان «رسالت» ارگان «روحانیت مبارزه» شد.

این تاریخچه مختصر را گفتیم تا بدانید که صورت کاندیداهای «روحانیت مبارزه» در حقیقت کاندیداهای «هیأت مؤتلفه» است. (برای اطمینان می‌توانید به روزنامه رسالت به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۷۴ مراجعه کنید و به‌بینید صورت کاندیداهای این هیأت برای تهران رونوشت مطابق اصل کاندیداهای «روحانیت مبارزه» است.) «هیأت مؤتلفه» قدیمیترین و سازمان یافته‌ترین تشکیلات سیاسی اسلامی است. ریشه‌های آن را می‌توان تا تأسیس سازمان «فدائیان اسلام» توسط مرحوم سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) در ۱۳۲۱ پیش برد. اما تأسیس رسمی آن در فروردین ۱۳۴۲ بوده است. (۱) مهمترین کار آن شرکت فعال در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ترور حسنعلی منصور است. (۲)

رهبران این گروه پیش از انقلاب اسلامی بارها در زندان بوده‌اند و از این رو، با کار و فعالیت تشکیلاتی آشنائی دارند. پس از انقلاب اسلامی «سازمان اقتصاد اسلامی» و شبکه‌ای از صندوقهای قرض الحسنه را تأسیس کرده‌اند و میان کسبه و بخشی از بازارها نفوذ دارند. در مجلس چهارم پس از حذف بسیاری از نمایندگان «روحانیون مبارزه» نمایندگان زیادی از این گروه به مجلس راه یافتند و عده‌ای دیگر از نمایندگان به آن پیوستند، به گونه‌ای که این گروه اکثریت مجلس را از آن خود می‌دانست و می‌پنداشت در مجلس پنجم

کاندیداهای هیأت مؤتلفه ۲۲ نفر انتخاب شدند که ۲۱ نفر آنها در مجلس چهارم نیز کرسی نشین بودند و این خود در پیروزی آنها تأثیر داشته است. از کاندیداهای «کارگزاران سازندگی» ۱۶ نفر موفق شدند که ۹ نفر آنها از نمایندگان مجلس چهارم بوده‌اند. (۳) اما جالب توجه این است که این ۹ نفر اخیر همه کسانی بوده‌اند که در رأس صورت کاندیداهای هیأت مؤتلفه نیز بوده‌اند. در حقیقت این ۹ تن را نمی‌توان وابسته جدی به هیچ کدام از طرفین دانست. اینها کسانی بوده‌اند که به علت موقعیت اجتماعی خاصشان و نیز جایگاه ویژه‌شان در دوره‌های پیشین مجلس اولاً پیرویشان قطعی به نظر می‌رسیده و ثانیاً توسل به آنها و در میان کاندیداها اعتبار بیشتری برای گروه پنداشته می‌شده است.

مثلاً یکی از اینها فردی روحانی است که سالهای متبادی در اسارت نیروهای عراقی به سر برده و در میان اسیران آزاد شده موقعیت ممتازی داشته است. دیگری مدیر مسئول انتصابی کهن ساترین مؤسسه مطبوعاتی کشور و جزو متولیان دوره‌های پیشین مجلس شناخته می‌شده است. دیگران نیز از اعضاء منتقد و سابقه‌دار مجلس و نظام به شمار می‌آمده‌اند. بیشتر اینها همچون افرادی مستقل شناخته شده بودند و اکثر آنها در گذشته پیوند آشکاری نه با هیأت مؤتلفه و نه با «کارگزاران سازندگی» نداشته‌اند. پس موفقیت این ۹ نفر را به حساب هیچ کدام از دو طرف نمی‌توان گذاشت. لذا اگر آنها را کنار بگذاریم معلوم می‌شود که از ۳۰ نماینده منتخب تهران ۱۳ نفر وابسته به هیأت مؤتلفه و ۷ نفر از کاندیداهای «کارگزاران سازندگی» بوده‌اند. یک نفر دیگر (آقای حسن غفوری فرد) مستقل از هر گروه انتخاب شده است. (به ضمیمه مراجعه شود).

بدین سان هیأت مؤتلفه در انتخابات تهران ظاهراً بر رقیب خود پیروزی چشمگیری یافته است. اما این پیروزی کامل نبوده است. چون چند تن از افراد مؤثر و کارگشته این هیأت توانسته‌اند به مجلس راه یابند که مهمترین آنها آقایان عسکراولادی، بادامچیان، و علیقتی خاموشی‌اند. طبیعی است در مجلس پنجم که ظاهراً ترکیبی بسیار متنوعتر از مجالس سوم و چهارم دارد، وجود چنین عناصری می‌توانست بسی مؤثر باشد.

گفتنی است که همین پدیده در مورد منتخبان «کارگزاران سازندگی» نیز به چشم می‌خورد یعنی افراد مؤثر و سردمداران این گروه مانند آقایان مرتضی آلویری، ابوالقاسم آشوری و داود تاجران ناکام مانده و توانسته‌اند به مجلس راه یابند.

اکنون نگاهی هم به نامزدهای «جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی» آقای ری‌شهری بیافکنیم. این جمعیت ظاهراً موفق‌ترین گروه در انتخابات تهران بوده است، زیرا از ۳۰ نفر نامزدهای آن ۲۵ نفر انتخاب شده‌اند. لیکن همه اینها بجز دو نفر یعنی آقای

حسن غفوری فرد و عبد خدائی، با جزو نامزدهای هیأت مؤتلفه بوده‌اند یا از نامزدهای «کارگزاران سازندگی».

با وجود این، دخالت این جمعیت در انتخابات تهران بی‌تأثیر نبوده است. چون بسیاری از نامزدهای «کارگزاران سازندگی» که ناکام مانده‌اند مانند آقایان مهندس الویری، سراج‌الدین موسوی، آشوری و تاجران، از مساعدت این جمعیت محروم مانده بودند. به همین سان بعضی از عناصر مؤثر هیأت مؤتلفه که انتخاب نشده‌اند کسانی هستند که نامشان را در میان نامزدهای این جمعیت نمی‌بینیم.

کاندیداهای صاحب نامی که از هیأت مؤتلفه به مجلس پنجم راه نیافتند



عسکراولادی

بادامچیان

علیقتی خاموشی

انقلاب اسلامی» در بعضی از شهرستانها بطور جداگانه نامزدهای خود را معرفی کردند، ولی صورت کاملی بدست ندادند که از روی آن بتوان بیان موفقیت آنها را در انتخابات شهرستانها معین کرد.

اما از ۱۲۹ نامزدی که «هیأت مؤتلفه» برای شهرستانها معرفی کرده بود تنها ۳۵ نفر در دور اول توانستند موفق شوند که عمدتاً از استان فارس، هرمزگان، کرمان، زنجان، مازندران و شهرهای قم و یزد بوده است. (به ضمیمه رجوع شود) بدین سان در دور اول تنها ۲۷٪ از کاندیداهایی که ارائه کرده بودند به مجلس راه یافتند. این موفقیت ناچیز که کاملاً خلاف انتظار و امیدهای این گروه بود موجب گردید که به سرعت و با دقت وضع شهرستانها و نتایج انتخابات آنها را بررسی کنند و در اعلام اسامی نامزدهایی که برای دور دوم معرفی می‌کنند تجدید نظر به عمل آورند. در این صورت نمایندگانی را که از دور خارج شده بودند کنار گذاشتند و از میان نمایندگانی که به دور دوم راه یافته بودند یا کسانی که از خودشان بودند یا آنها را به خود نزدیکتر می‌یافتند موافقت کردند و در نتیجه صورت جدیدی از نامزدهای خود را برای دور دوم ارائه دادند که شامل ۵۹ نامزد برای ۹۳ کرسی بود. در این صورت جدید ۳۲ نفر از نامزدان سابق بجای خود مانده، ۱۴ نامزد عوض شده و برای ۱۳ حوزه جدید (در اولین فهرست ارائه شده نامزدی برای آنها معرفی نشده بود) نامزدهایی ارائه کرده بودند. (۵) بدین سان توانستند در دور دوم نتیجه بهتری به دست آورند و از ۵۹ نامزدی که معرفی کرده بودند ۲۴ نفر یعنی ۴۰٪ آنها به مجلس راه یابند. (۶)

اکنون می‌توانیم در مورد این گروه جمع‌بندی کنیم و شمار نمایندگانی را که به مجلس فرستاده است به دست آوریم. این گروه در دور اول از ۱۴۳ نفر نماینده منتخب شهرستانها ۳۵ نفر و در دور دوم از ۸۶ تن نماینده منتخب شهرستانها ۲۴ نفر و در تهران جمعاً در دو دوره ۱۳ نفر را به مجلس فرستاده و بدین سان کلاً در مجلس پنجم ۷۲ کرسی به دست آورده است. و اگر ۸ نفر نامزدی را که میان این گروه و «کارگزاران سازندگی» و گروههای دیگر مشترک بوده‌اند بر آن بیافزاییم جمعاً ۸۱ کرسی خواهد شد که بسیار کمتر از اکثریت غالبی است که این گروه در مجلس چهارم داشته است.

در مورد ۱۶۰ نفر نماینده دیگری که از شهرستانها به مجلس راه یافته‌اند هیچ‌گونه تحلیل و داوری مشخص و مستندی نمی‌توان کرد جز اینکه از عناصر متنوعی تشکیل شده‌اند که اکثر وابسته به یکی از بنیادهای جمهوری اسلامی‌اند. در میان آنها گروه‌بندیهای زیر را می‌توان تشخیص داد:

- ۱- عده‌ای بطور صریح یا غیر صریح با پشتیبانی «کارگزاران سازندگی» و احتمالاً با داشتن زمینه‌های مساعد محلی انتخاب شده‌اند.
- ۲- عده‌ای از طرف «خانه کارگر» در شهرستانها

اجتماعی

نامزد شده و با کسب موقعیت مساعد در محل به مجلس راه یافته‌اند.

۳- تنی چند از وابستگان به «مجاهدین انقلاب اسلامی»

۴- عده‌ای از نمایندگان مجلس چهارم که وابسته به اکثریت نبوده و زمینه مساعد محلی داشته‌اند و توانسته‌اند رضایت اهالی و متنفذین محل را جلب کنند، و در نتیجه از نو انتخاب شده‌اند.

۵- عده‌ای از وابستگان به «مجمع روحانیون مبارز». این مجمع گرچه از

آغاز انتخابات اعلام کرد که در آن شرکت نخواهد کرد ولی ضمناً وابستگان و هواداران خود را از اینکه منفرداً نامزد شوند منع نکرد. لذا با توجه به اینکه این گروه در دوره سوم نیمی از کرسیهای مجلس را در اختیار داشت و در دور چهارم نیز با وجود موانع سیاسی کاملاً بی‌بهره از کرسیهای مجلس نبود، و سرانجام با در نظر گرفتن اینکه این گروه یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی بوده و هست می‌توان پیش‌بینی کرد که جمعی از وابستگان به این مجمع نیز بی‌سر و صدا به مجلس راه یافته‌اند.

۶- وابستگان به بنیادهای دیگر نظام و عناصر متنفذ محلی که به صورت منفرد خود را نامزد کرده و موفق شده‌اند.

در پایان انتخابات دور دوم واقعه‌ای روی داد که عده‌ای را به اشتباه انداخت. این رویداد به اجتماعی مربوط می‌شود که به ابتکار حجت‌الاسلام عبدالله نوری تشکیل شد.

باید توضیح داد که اجتماع ۱۴۵ نفر از انتخاب شدگان به دعوت آقای حجت‌الاسلام عبدالله نوری در حسینیه شماره ۲ جماران، بر خلاف آنچه بعضی نشریات شایع کرده‌اند، نشانه پیروزی گروه «کارگزاران سازندگی» و کسب اکثریت در مجلس نیست و همه این عده نیز وابسته به این گروه نیستند. یعنی هیچ دلیلی برای صحت این شایعه و این توهم در دست نیست؛ تنها چیزی که می‌توان مطمئناً استنباط کرد این است که این عده گرایش به «هیأت مؤتلفه» و اکثریت سابق آن در دوره چهارم نداشته‌اند و خواهان بازنگری در آن هستند. آینده نشان خواهد داد که آیا این تجمع عناصر و گروههای متنوع خواهد توانست ائتلاف با دوامی در مجلس پدید آورد؟

از سوی دیگر ۱۰۴ نفر نماینده منتخبی که در این اجتماع شرکت نکرده‌اند نیز چنانکه دیدیم همه وابسته به «هیأت مؤتلفه» نیستند و معلوم نیست بخواهند یا بتوانند با آنها جبهه متحدی تشکیل دهند و اقلیت استواری در دوره پنجم پدید آورند.

۳- آینده‌نگری، علت‌یابی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در آغاز این گفتار اشاره کردیم،

یک پرسش مهم اکنون این است که نمایندگان ناوابسته به هیأت مؤتلفه خواهند توانست یک ائتلاف پایدار ایجاد کنند؟

اکثریت غالب و نزدیک به کل نمایندگان منتخب این دوره در حفظ نظام جمهوری اسلامی و دفاع از بنیادهای آن همدستان خواهند بود و اگر احتمالاً اقلیت بسیار کوچکی که خواهان بعضی تغییرات در روشها و نهادهای آن باشند به مجلس راه یافته باشند، امکان بیان و اظهار نظریات و نیت خود را نخواهند یافت. اما در چهارچوب اصول و نهادهای میبایزهای داوری این نظام، بحث و برخورد عقاید و آراء بر سر مسائل غیراصولنی در این مجلس بیش از دوره‌های پیش خواهد بود و تشتت آراء بیشتری وجود خواهد داشت. و می‌توان پیش‌بینی کرد که از این جهت چهره این دوره با چهار دوره پیش از آن فرق خواهد داشت. در دوره اول اختلاف نظر زیادی حتی درباره بعضی مسائل اصولی میان نمایندگان به ویژه میان منتسبان به «نهضت آزادی» و دیگران وجود داشت. لیکن به علت آغاز جنگ تحمیلی و کشمکش با گروههای دورنی که بنیان نظام را به خطر انداخته بود و جو ترور و وحشتی که ناشی از آن بود، امکان برخورد عقاید و آراء وجود نداشت. در دوره‌های بعد، به ویژه چهارم، ائتلاف یا گروه‌بندی غالبی وجود داشت که از تشتت و برخورد و تصادم آراء جلو می‌گرفت. اما در مجلس پنجم ظاهراً هیچ یک از این شرایط وجود ندارد. بنابراین به احتمال زیاد اکثریت و اقلیتی در برابر هم صف‌آرایی خواهند کرد. در بعضی مسائل مانند انتخاب هیأت رئیسه مجلس و نحوه انتخاب رئیس جمهور آینده احتمالاً اکثریت بزرگی از نمایندگان متحد خواهند شد و روش هماهنگی اتخاذ و عملی خواهند کرد.

در موارد دیگر، به ویژه در جاهایی که پای منافع اقتصادی و اجتماعی قشرها و طبقات حاکم در میان است، اکثریت احتمالاً گرفتار پراکندگی و تشتت خواهد شد و اقلیت که در زمینه امور اقتصادی سابقه انسجام و سازمان یافتگی بیشتری دارد و ممکن است از پشتیبانی فقهای شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مقامات عالی‌رتبه برخوردار باشد، خواهد توانست نظریات خود را پیش ببرد. به هر حال دورنمای اختلافها و برخوردهایی میان مجلس و شورای نگهبان و کشمکش میان آنها و دولت بعید به نظر نمی‌رسد.

اکنون بگوئیم تا به کمک جامعه‌شناسی و قوانین

آن علل این تحول جدید کشور خودمان را بیابیم. با گذشت نزدیک به دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، اکنون چند سال است که نظام جمهوری اسلامی استقرار یافته و هیأت حاکم آن نیاز به داشتن برنامه دراز مدتی را برای استمرار حکومت احساس می‌کند. در این مدت از یکسو طبقه جدیدی پدید آمده که سرمایه‌های چند صد میلیاردری در اختیار دارد و ناگزیر است با قسانونمندی‌ها و اصول اقتصادی خدشه‌ناپذیر روبه‌رو شود و به

فرمانروایی آنها در عرصه اقتصاد و اداره اجتماع گردن نهد. هر گام کوچکی که بدون توجه به این اصول برداشته می‌شود زیانهای در حد چند صد میلیون در پی دارد. ضمناً این طبقه احساسی می‌کند که در دنیای کنونی به حال انزوا نمی‌توان زیست و حصارهای همچون دیوار چین به دور خود نمی‌توان کشید. از سوی دیگر توده‌های مردم به چشم خود می‌بینند که فاصله طبقاتی روز به روز عمیق‌تر می‌شود و به همان نسبت که ثروت و غنا و تجمل در یک قطب متمرکزتر می‌شود و درآمدهای سرسام‌آور همراه با فساد ابعاد تصورناپذیری می‌یابند در قطب دیگر، فقر، درماندگی و تنزل روزافزون سطح زندگی عمومی آنها صورت سهمگین، بنیان کن و مرگباری به خود می‌گیرد.

همراه با تورم و گرانی افسارگسیخته روز به روز قشرهای بیشتری از جامعه به زیر خط فقر کشیده می‌شوند در حالیکه هیأت حاکم از فرزندایی سخن می‌گوید و برای آن سمینار برپا می‌دارد. این واقعیات موجب پیدایش دو گرایش در میان هیأت حاکم شده است که کم و بیش همه مسئولان آن از اینها آگاهند. متها هر دسته و گروه از این هیئت بر حسب منافع و شرایط مادی و معنوی زندگی خویش به درجات مختلف بسوی یک گرایش بیشتر و بسوی دیگری کمتر توجه می‌کنند. یک گرایش ناشی از بنیاد ایدئولوژیک نظام است. این نظام بر پایه اصول فقهاتی و شریعتی اسلامی خاصی بنا شده است که بریدن از آنها به منزله ویران ساختن بنیاد نظام است. گرایش دیگر با زندگی مادی و اقتصادی سر و کار دارد.

نمی‌توان در دنیای کنونی زیست، با اقتصاد صنعتی و بازرگانی سرمایه‌داری زندگی کرد. بی‌آنکه به روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بین‌المللی کردن نهاد. بسیاری از مسئولان هیأت حاکم سالهاست می‌پندارند و می‌گویند این دو گرایش را یا هم آشتی دهند. لیکن کسانی هم در میان آنها هستند که به آشتی‌ناپذیری این دو گرایش باور دارند. بعضی از اینها مسترک گرایش دوم و خواستار اجرای صددرصد گرایش اولند. بعضی دیگر در قطب مقابل قرار دارند و خواهان بیرون آمدن کامل از انزوای اقتصادی- سیاسی هستند. کشمکش انتخاباتی اخیر تظاهر برخورد این

دو گرایش و در عین حال آمیختگی آنهاست. مجلس پنجم هم به احتمال زیاد صحنه ادامه این فراگرد خواهد بود.

۱۲ خرداد ۱۳۷۵

ضمائم

الف - اسامی منتخبان «هیأت مؤتلفه» از تهران

- ۱- علی اکبر موسوی حسینی
- ۲- محمدرضا باهنر
- ۳- نفیسه فیاض بخش
- ۴- محسن یحییوی
- ۵- منیره نوبخت
- ۶- رضا اکرمی
- ۷- محمدجواد لاریجانی
- ۸- موسی زرگر
- ۹- داوود دانش جعفری
- ۱۰- مرتضی نبوی
- ۱۱- سید رضا تقوی
- ۱۲- علی موحدی ساوجب
- ۱۳- شهابالدین صدر

ب- اسامی منتخبان «جمعیت از کارگزاران سازندگی»

- ۱- خانم فائزه رفسنجانی
 - ۲- سهیلا جلو دارزاده
 - ۳- عبدالله نوری
 - ۴- ابوالقاسم سرحدی زاده
 - ۵- علیرضا محبوب
 - ۶- مجید انصاری
 - ۷- فاطمه رمضانزاده
- ج- اسامی منتخبان تهران که در هر دو صورت مشترک بوده است

- ۱- علی اکبر ناطق نوری
- ۲- علی اکبر ابوترابی فرد (در آستانه دور دوم نامزدی خود را از «کارگزاران» پس گرفت)
- ۳- عباس شیبانی
- ۴- مرضیه وحید دستجردی (در آستانه دور دوم نامزدی خود را از «کارگزاران» پس گرفت)
- ۵- محسن مجتهد شبستری
- ۶- محمدعلی موحدی کرمانی
- ۷- قربانعلی دری نجف آبادی
- ۸- حسن روحانی
- ۹- محمود دعائی

(توضیح: آقای حسن غفوری فرد تنها کاندیدائی است که در هیچکدام از دو لیست بالا نام او نیامده بود)

د- نامهای منتخبان «هیأت مؤتلفه» از شهرستانها در دور اول

- | | |
|-------------------|--------------|
| نام | حوزه انتخابی |
| ۱- عباسعلی نورا | زاهدان |
| ۲- احمد ناطق نوری | نور |
| ۳- محمد مجدآرا | بابلسر |
| ۴- محمدحسین ذانا | آباده |

- ۵- محمد مهدی شجاعی
- ۶- محمدرضا مجیدی
- ۷- کمال دانشیار
- ۸- لطف الله زارعی
- ۹- محمدحسن اردشیری
- ۱۰- عباس پاکنژاد
- ۱۱- طاهر طاهری
- ۱۲- محمدحسین نخبه الفقهای
- ۱۳- محمد مهدی مفتاح
- ۱۴- محمود جمالی
- ۱۵- احمد مهدوی
- ۱۶- محمد سقائی
- ۱۷- سهراب بهلولی

- جمهور
- فسا
- ماهشهر
- بهبهان
- بهشهر
- یزد
- سمنان
- لارستان
- رزن
- کاشان
- ابهر
- اصطهبان و نیریز
- فیروزآباد

- ۲۵- غلامحسین نوذری
- ۲۶- ابوقاضل رضوی
- ۲۷- علیرضا عبادی
- ۲۸- محمد مهدی خزانی
- ۲۹- غلامرضا حیدر دارانی
- ۳۰- رضا عبداللهی
- ۳۱- فتاح مرتضوی
- ۳۲- عباس عباسی
- ۳۳- محمد رضائی سردره
- ۳۴- ابوالفضل رضوی
- ۳۵- رضا فاکر

ه- نامهای منتخبان هیأت مؤتلفه از شهرستانها در دور دوم

- | | |
|-----------------------------------|--------------|
| نام | حوزه انتخابی |
| ۱- علیرضا غنی زاده | ارومیه |
| ۲- شهریانو امانی انگنه | ارومیه |
| ۳- قلی الله قلی زاده | کلنبر |
| ۴- میرحسین سیدزاده | مرند |
| ۵- محمد خواجه پور | بوشهر |
| ۶- غلامرضا شیرازیان | مشهد |
| ۷- حمیدرضا ترقی | مشهد |
| ۸- مرضیه صدیقی | مشهد |
| ۹- رضا موالی زاده | اهواز |
| ۱۰- عباس موسوی | ایذه |
| ۱۱- عبدالزهره حزبرای | آبادان |
| ۱۲- مصطفی مطوری زاده | خرمشهر |
| ۱۳- مرتضی صالحی خوانساری گلپایگان | گلپایگان |
| ۱۴- قدرت الله نجفی قمشاهی | شهرضا |
| ۱۵- مهدی رهبری املشی | رودسر |
| ۱۶- علی معلمی | قائم شهر |
| ۱۷- عباسعلی کرامتلو | مینودشت |
| ۱۸- عباس محمدی | کردکوی |
| ۱۹- محمود حسینی | رامیان |
| ۲۰- جعفر قلی راهب | تنکابن |
| ۲۱- محمود نوری زاده | مشکین شهر |
| ۲۲- احمد نجابت | شیراز |
| ۲۳- محمد مهدی فهرمانی | شیراز |
| ۲۴- همت بیگ مرادی | قصر شیرین |

کاندیداهای صاحب نامی که از کارگزاران سازندگی به مجلس پنجم راه نیافتند



آزادی

آزادی

آزادی

مآخذ

- ۱- حاجی مهدی عراقی: «ناگفته‌ها ص ۱۶۶»
- ۲- همان کتاب صص ۱۷۳ و بعد از آن و ۲۰۸ و بعد
- ۳- خوانندگان توجه دارند که عده نمایندگان تهران ۳۰ نفر است. اگر جمع انتخاب شدگان دو گروه از این رقم فراتر می رود ناشی از آن است که نام عده‌ای از انتخاب شدگان در لیست های انتخاباتی هر دو گروه آمده بود.
- ۴- روزنامه رسالت به تاریخ ۱۴ اسفند ۷۴
- ۵- «رسالت» به تاریخ ۱۴ اسفند ۷۴ و ۲۵ فروردین ۷۵
- ۶- روزنامه «سلام» به تاریخ ۲ اردیبهشت ۷۵

- ۱۸- بهمن اخوان
- ۱۹- احمد پیش بین
- ۲۰- علی زادسر
- ۲۱- غلامرضا معتمدی نیا
- ۲۲- رجب رحمانی
- ۲۳- سید طه هاشمی
- ۲۴- حسین ایرانی

- تفرش
- بافت
- جیرفت
- کهنوج
- ناکستان
- قم
- قم